

مهم‌یمن؛ امکان نبی نقش آفرینی دیوان کیفری بین‌المللی

موسی عاکفی قاضیانی^۱، محمد عاکفی قاضیانی^۲

چکیده

مخاصمه یمن موجب نقض اصل عدم توسل به زور در حقوق بین‌الملل شده است. با مداخله شورای امنیت و برخی دولت‌های صلح دوست، گسترش درگیری‌ها و قتل غیرنظامیان، این پرسش مطرح شده است که آیا دیوان کیفری بین‌المللی توان و صلاحیت نقش آفرینی برای پایان دادن به مخاصمه را دارا می‌باشد؟ امکان‌سنجی نقش آفرینی دیوان موضوع و پرسش اصلی این مقاله می‌باشد. منظور از امکان‌سنجی نقش آفرینی دیوان، همان تجزیه و تحلیل اقسام صلاحیت‌های این نهاد برای رسیدگی به جنایات مورد ادعای سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد. این نوشته با بررسی انواع صلاحیت‌ها و نیز عناصر جرم مطابق با اساسنامه دیوان، سعی داشته با تشخیص موارد ادعا شده نقض اساسنامه، به سوال پیش گفته پاسخ دهد. فرضیه مورد تعقیب این است که دیوان صلاحیت ندارد، مگر آن که شورای امنیت پرونده را به دیوان ارجاع دهد. سیر مقاله نشان می‌دهد که در صورت ارجاع پرونده به دیوان به احتمال زیاد احراز تحقق عناصر جرم، یعنی عنصر روانی و عنصر مادی جرایم مذکور در ماده (۵) اساسنامه، علیه نیروهای ائتلاف منتفی می‌باشد. هر چند گزارشات برخی سازمان‌های بین‌المللی به ارتکاب جنایات بین‌المللی در این مخاصمه اشاره دارد، اما دولت‌ها نیز تمایلی به اعمال صلاحیت جهانی نسبت به دادرسی اتهامات ندارند. در نهایت این نتیجه حاصل شده که نقش آفرینی این سازمان در مخاصمه یمن امری دشوار، بلکه احتمالاً منتفی خواهد بود. عدم امکان نقش آفرینی دیوان در این مخاصمه عمدتاً معلول عدم تصویب اساسنامه رم توسط دولت‌های مداخله کننده در مخاصمه یمن می‌باشد.

واژگان کلیدی: دیوان کیفری بین‌المللی، یمن، شورای امنیت، جنایت بین‌المللی، صلاحیت.

۱- استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور استان البرز moosaghazi@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشکده حقوق دانشگاه قم (نویسنده مسئول)
mohammadghazi91@yahoo.com

<https://orcid.org/0000-0002-5923-8684>

مقدمه

چندی پیش بود که نیروهای حوثی یمن در اعتراض به حکومت وقت یمن و به دست گرفتن قدرت انقلاب نمودند و با محاصره کاخ ریاست جمهوری این کشور و طرح شعارهایی علیه ایالات متحده آمریکا، صهیونیسم و دین یهود، رئیس جمهور وقت را که از طریق انتخابات به مسند قدرت رسیده بود، مجبور به استعفاء و متعاقباً فرار از این کشور به عربستان سعودی نمودند. این اقدام انقلابیون حوثی، موجب ائتلاف برخی دولت‌ها و در رأس آن پادشاهی عربستان سعودی برای سرکوب این خیزش حوثی‌ها شد که علیرغم پشتوانه حقوقی بین‌المللی لازم، یعنی قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد- به عنوان مسئول اولیه حفظ صلح و امنیت جهانی- در حمایت از دولت منصور هادی، مورد حمایت مادی و معنوی چندانی از سوی دول غربی، قرار نگرفت. امروز، بحران یمن و مخاصمه گروه‌های مسلح در این کشور با همسایه شمالی خود، عربستان سعودی و ائتلاف به رهبری این کشور، در آستانه پنجمین سال خود قرار دارد. پس از چندین سال تنش و درگیری، ابعاد این مخاصمه مسلحانه داخلی^۱ در یمن نه تنها کاهش نیافته، بلکه گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده است.^۲ همچنین تجربه سال‌های اخیر و گزارش‌های حقوق بشردوستانه از اوضاع یمن، حاکی از وقایع غم‌انگیز و انسانی می‌باشد. حملات نیروهای ائتلاف به مقر حوثی‌های یمن و موارد استفاده از سپر انسانی، موجب افزایش تلفات و کشتار غیرنظامیان در جریان این مخاصمه بوده است. همچنین تلاش‌های برخی دولت‌های صلح دوست برای توقف درگیری و کشتار در یمن، تاکنون نتیجه بخش نبوده است. اما بررسی مسئله یمن، از حیث حقوق کیفری بین‌المللی و امکان طرح شکایات در دیوان کیفری بین‌المللی، معمای است که اذهان حقوقی برخی محققین را به خود مشغول ساخته است. چرا که امکان دادرسی به برخی جنایات مورد ادعا در جریان این مخاصمه، نوید تحقق نسبی عدالت می‌باشد. در حقیقت موارد ادعای نقض حقوق بشردوستانه و مقررات حاکم بر حمایت

^۱- Internal Armed Conflict

^۲- اگر چه برخی از حقوقدانان ادعا می‌کنند که جنگ یمن، با آغاز حملات نیروهای ائتلاف، ماهیت یک مخاصمه مسلحانه بین المللی شده «Internationalized Armed Conflict» به خود گرفته است؛ با بررسی قطعنامه‌های صادر شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل، از جمله قطعنامه‌های (۲۲۰۱) و (۲۲۱۶) که ریاست جمهوری منصور هادی را مشروع تلقی نموده و آن را به رسمیت شناخته است، شناسایی وضعیت مخاصمه بین‌المللی شده برای جنگ یمن دشوار است؛ چرا که در جریان یک مخاصمه داخلی، مداخله دولت‌های خارجی به درخواست دولت آن کشور، مجاز است و ماهیت مخاصمه داخلی را تغییر نمی‌دهد. برای اطلاع بیشتر رک: ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین، ۱۳۸۶، حقوق بین الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان، صص. ۹۳-۱۱۳.

از حقوق غیرنظامیان، کودکان و گروه‌های آسیب‌پذیر در جنگ، باعث شده است که مسئله رسیدگی به این ادعاها از طریق دیوان بیش از پیش مطرح شود. امکان سنجی این طرح، نیاز به مطالعه قوانین و مقررات مندرج در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و همچنین بررسی کیفیت ارتباط دولت‌های دخیل در این درگیری‌ها با دیوان، از حیث صلاحیت رسیدگی این مرجع دارد. قضاوت راجع به این امر حقوقی البته باید فارغ از دستبرد گرایش‌های سیاسی و دلبستگی‌های عقیدتی و با تمحض در ابعاد حقوقی کیفری بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد؛ لذا در این مقاله سعی شده است، از طریق تحقیقات کتابخانه-ای و روش‌های توصیفی و تحلیلی، ابعاد این مسأله مورد تبیین و تحلیل قرار گیرد.

۱- آشنائی با یمن و تحولات معاصر

یمن کشوری است در جنوب شبه جزیره عربستان و پایتخت آن شهر صنعا می‌باشد. مساحت این کشور حدود ۵۲۷,۹۶۸ کیلومتر مربع است (فضائی، ۱۳۹۵، ۴۴). در سال ۲۰۲۰، جمعیت این کشور را قریب به سی میلیون نفر تخمین زده‌اند (worldometer, March 11th 2020). بیش از نیمی از جمعیت این کشور را شیعیان و مسلمانان زیدی تشکیل می‌دهند (فضائی، ۱۳۹۵، ۴۴). البته برخی برآوردها نیز جمعیت اهل سنت این کشور را تا ۶۵ درصد بیان کرده است (refworld, August 10th 2016). پس از جنگ جهانی اول و انحلال امپراتوری عثمانی، شمال یمن اعلام استقلال کرد و امام یحیی از رهبران شیعیان زیدی به حکومت رسید. او در سال ۱۹۴۸ ترور شد و فرزندش احمد بن یحیی جانشین او شد. با مرگ احمد در سال ۱۹۶۲ ارتش کودتا کرد و متأثر از جمال عبد الناصر، جمهوری عربی یمن تشکیل شد. اما تحت تأثیر رقابت میان عربستان سعودی و مصر در منطقه، بین سال‌های ۱۹۶۲-۱۹۶۳ در یمن جنگ داخلی در گرفت. نهایتاً در سال ۱۹۶۸ یمن جنوبی اعلام استقلال کرد و یمن به دو قسمت شمالی و جنوبی، یعنی جمهوری عربی یمن، به مرکزیت صنعا و جمهوری دموکراتیک خلق یمن، به مرکزیت عدن تقسیم شد (فضائی، ۱۳۹۵، ۴۴-۴۵). علی عبدا... صالح که از سال ۱۹۷۸ رئیس جمهوری عربی یمن بود، در سال ۱۹۹۰ که جمهوری عربی یمن و جمهوری دموکراتیک خلق یمن متحد شدند، رئیس جمهور کشور یمن شد. البته در سال ۱۹۹۴ جنگ داخلی دیگری بین نیروهای یمن شمالی و جنوبی در گرفت که به پیروزی یمن شمالی و دوام حکومت عبدالله صالح انجامید. او بازنگری در قانون اساسی را در دستور کار خود قرار داد، که در فوریه سال ۲۰۰۱ در فراندوم به تصویب رسید و بنابراین دوره ریاست جمهوری به هفت سال (اصل ۱۱۲) و دوره مجلس قانون‌گذاری به شش سال (اصل ۶۵) افزایش یافت (فضائی، ۱۳۹۵، ۴۵). در ژانویه سال ۲۰۱۱ به دنبال اعتراضات در برخی کشورهای عربی، یمن نیز شاهد

تظاهرات گسترده‌ای بود که نهایتاً منجر به استعفای رئیس جمهور علی عبدالله صالح پس از سی سال حکومت بر این کشور شد (پزشکی و بهری خیای، ۱۳۹۷، ۵۷). در ماه می سال ۲۰۱۱ با میانجیگری شورای همکاری خلیج و کمک و نظارت دبیرکل سازمان ملل، توافقنامه‌ای میان دولت و گروه‌های معارض، به شرط برخورداری عبدالله صالح از مصونیت قضایی، منعقد شد. این توافق از حمایت شورای امنیت سازمان ملل نیز برخوردار بود. قدرت به عبد ربه منصور هادی، معاون علی عبدالله صالح، منتقل شد و او نیز از محمد باسینداوا خواست تا دولت جدید را تشکیل دهد. بر اساس این توافقنامه، باید فرآیند مسالمت‌آمیز اصلاح و تحول، با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری برای یک دوره موقت دوساله برگزار می‌شد و همچنین گفتگوها برای انجام فرآیند انتقال قدرت انجام می‌گرفت. در انتخابات فوریه ۲۰۱۲، منصور هادی با کسب قریب به دو میلیون رأی به مقام ریاست جمهوری رسید. اما گروه‌های مخالف و انقلابی انتخابات را با ادعاهایی چون غیررقابتی بودن و مشخص بودن نتیجه و ظن دخالت طرف‌های خارجی تحریم کردند. لذا با مداخله شورای همکاری خلیج به عنوان نهاد میانجی منطقه‌ای اعراب، منصور هادی به عنوان ریاست جمهوری از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ تعیین شد. طی این مدت گفتگوهای ملی نیز برگزار گشت. با پایان این دوره، اعتراضاتی شکل گرفت. با افزایش ناآرامی‌ها، شیعیان حوثی با حمله به پایتخت، کاخ ریاست جمهوری را محاصره کردند و در نتیجه منصور هادی استعفاء کرد و حتی مدتی نیز در حصر خانگی قرار گرفت. پس از آن در ۱۵ فوریه سال ۲۰۱۵ به عدن و از آنجا به عمان و پس از آن به عربستان رفت و نسبت به این وقایع، درخواست کمک کرد (جعفری، ۱۳۹۸، ۵۹۴). نامه منصور هادی به شش کشور عضو شورای همکاری خلیج بیان می‌داشت که: «من از شما می‌خواهم مطابق با حق دفاع مقرر در ماده (۵۱) منشور ملل متحد و منشور اتحادیه عرب و معاهده دفاع مشترک، نسبت به پشتیبانی فوری در همه اشکال و اتخاذ اقدامات ضروری از جمله مداخله نظامی، برای حمایت از یمن و مردم آن در مقابل تجاوز حوثی، جلوگیری از حمله آتی به عدن و دیگر شهرهای جنوب و کمک به یمن برای مقابله با القاعده و دولت اسلامی عراق و شام اقدام کنید. مردم یمن هرگز متحدان خود، که در این موقع دشواری و وخامت اوضاع در کنارشان می‌ایستند را فراموش نخواهند کرد و اجازه نخواهند داد که توکلشان بر خداوند متعال متزلزل گردد.» (S/2015/217). به دنبال این استغاثه در مارس ۲۰۱۵، ائتلافی متشکل از برخی کشورهای منطقه به رهبری پادشاهی عربستان سعودی، حملات هوایی خود را با نام عملیات «توفان قاطعیت»^۱ علیه نیروهای حوثی آغاز کرد. در این عملیات که با رضایت دولت یمن انجام می

^۱ - عملیه عاصفه الحزم

گرفت (S/Res/2216 (2015)، نه تنها هواپیماهای عربستان، امارات متحده عربی، قطر، کویت و بحرین، بلکه مراکش، مصر، اردن و سودان نیز شرکت داشتند و البته سوماتری هم پایگاه‌های نظامی خود را در اختیار ائتلاف قرار داد. در نامه ائتلاف به رهبری عربستان سعودی، خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد و رئیس شورای امنیت سازمان ملل، دلیل این تهاجم، پاسخ به «درخواست منصور هادی، رئیس‌جمهور قانونی یمن، برای حمایت از یمن و مردم آن، در برابر تجاوز شبه نظامیان حوثی که همواره ابزار نیروهای خارجی بوده‌اند و به طور مداوم به دنبال مخدوش کردن امنیت و ثبات یمن هستند» (S/2015/217)، اظهار شد. در نامه اعضای ائتلاف به سازمان ملل متحد ادعا شد که گروه حوثی مورد حمایت نیروهای منطقه‌ای که در تلاش برای توسعه هژمونی خود بر یمن و استفاده از این کشور به عنوان پایگاهی جهت تأثیرگذاری بر منطقه‌اند، می‌باشد؛ از این رو تهدید نه تنها متوجه امنیت، ثبات و حاکمیت یمن، بلکه متوجه صلح و امنیت بین‌المللی است. عربستان سعودی همچنین دستیابی حوثی‌ها به موشک‌های بالستیک و استقرار نظامی در مرزهای سعودی را در توجیه تهاجم به یمن مطرح نمود (فضائی، ۱۳۹۵، ۴۵-۴۸). امروزه پس از گذشت قریب به پنج سال از آغاز مخاصمه یمن، کماکان درگیری‌ها ادامه دارد و علیرغم تلاش‌های دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل، جهت نیل به آتش‌بسی که منجر به حل و فصل همه‌جانبه اختلافات گردد، هنوز نتیجه مطلوبی حاصل نشده است. در دسامبر سال ۲۰۱۸ نیز نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در امور یمن^۱، توافق آتش بسی موسوم به توافق‌نامه استکهلم^۲ را که متمرکز بر درگیری‌های بندر حدیده بود، ترتیب داد؛ اما اکنون پس از گذشت قریب به ۱۵ ماه، این توافق هنوز به طور کامل اجرایی نشده است (Congressional Research Service Report, September 2019, 2).

۲- ابعاد حقوقی مخاصمه یمن

حق شروع به جنگ و استفاده از نیروهای مسلح در روابط بین‌الملل یکی از موضوعات حقوقی است که محدودیت‌هایی برای آن وضع شده است. این که چه کسانی ممکن است مبادرت به جنگ کنند و در چه شرائطی ممکن است نیروی مسلح به کار رود، از موضوعات حقوق مخاصمات است. البته در هر نظام حقوقی، حق توسل به زور محدود شده است و هر کسی حق ندارد در هر شرائطی که لازم بداند به زور متوسل شود. مشروعیت کاربرد زور، موضوع «حق بر جنگ»^۳ است که در صدد تعریف این است که در

^۱ - Martin Griffiths

^۲ - Stockholm Agreement

^۳ - Jus ad bellum

چه شرائطی امکان به کارگیری زور وجود دارد. ولی «حق در جنگ»^۱ به رفتار متخاصمان در حین مخاصمه مسلحانه مربوط می‌شود (نواده توپچی، ۱۳۹۳، ۳۵-۴۹). اصل منع توسل به زور و حمله نظامی در حقوق بین‌الملل به طور عام و به طور خاص در منشور سازمان ملل، منع تهدید به استفاده از زور^۲، توسل به زور^۳ و تجاوز نظامی از اصول بنیادینی است که نظم بین‌المللی بر آن استوار شده و از قواعد آمره بین‌المللی^۴ به شمار می‌رود. توسل به زور در همه اشکال آن در حقوق بین‌الملل ممنوع است. اصل منع توسل به زور به عنوان قاعده آمره است که دولت‌ها را موظف می‌نماید تا از تجاوز و استفاده از نیروی نظامی به عنوان نماد اصلی توسل به زور علیه دولت و کشور دیگر پرهیز نمایند. منشور سازمان ملل متحد در بند (۱) ماده (۱) خود به «متوقف ساختن هر گونه عمل تجاوز»^۵ اشاره کرده و در بند (۴) ماده (۲) مقرر نموده است: «کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مبادینت داشته باشد خودداری خواهند نمود.» اصل منع توسل به زور، البته دارای استثنائات مهم و غیرقابل انکاری نیز می‌باشد (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۴/۰۲/۳۲). از جمله استثنائاتی که برای اصل ممنوعیت توسل به زور می‌توان نام برد، جنگ عادلانه^۶، جنگ پیشگیرانه^۷، دفاع پیش‌دستانه یا بازدارنده^۸، دفاع از خود^۹، امنیت جمعی^{۱۰}، مداخله بشردوستانه^{۱۱}، مداخله نظامی برای حفظ جان، مال یا اتباع، مداخله نظامی برای کمک به سرکوب شورشیان در کشور دیگر و همچنین اقدام تلافی‌جویانه^{۱۲} می‌باشد (یاقوتی، ۱۳۹۰، ۷-۱۸). مخاصمه یمن همچون هر مخاصمه دیگر، قابل بررسی از ابعاد گوناگون حقوقی می‌باشد. به طور خاص درگیری‌های یمن از سال ۲۰۱۵ به بعد را می‌توان از منظر حقوق مخاصمات، حقوق بشردوستانه، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و بازیگران غیردولتی و همچنین حقوق

^۱ - Jus in bello

^۲ - Principle of Prohibition of the Threat or Use of Force

^۳ - Resorting to Force

^۴ - Jus Cogens

^۵ - the suppression of acts of aggression or other breaches of the peace

^۶ - Just War

^۷ - Preventive War

^۸ - Anticipatory or Pre-emptive Self-defense

^۹ - Self-defense

^{۱۰} - Collective Security

^{۱۱} - Humanitarian Intervention

^{۱۲} - Reprisal

کیفری بین‌المللی مورد مطالعه قرار داد. در حقیقت شروع به حمله مسلحانه عربستان و نیروهای ائتلاف علیه نیروهای حوثی ممکن است در چهارچوب استثنائات مذکور طرح و بررسی شود.^۱ به ویژه این که شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه شماره (۲۲۱۶) مصوب ۱۴ آوریل ۲۰۱۵ تصریح نموده است: «شورای امنیت حمایت خود از تلاش‌های شورای همکاری خلیج در کمک به دوره گذار سیاسی در یمن را بار دیگر تأکید و نسبت به تعاملات آن در این رابطه تمجید می‌کند... بر مشروعیت عبدربه منصور هادی رئیس‌جمهور یمن تأکید مجدد می‌کنیم و درخواست خود را از همه طرف‌ها و کشورهای عضو (سازمان ملل) برای ممانعت از اتخاذ هر گونه اقدامی که سبب تضعیف وحدت، حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی یمن و مشروعیت رئیس‌جمهور یمن بشود، تکرار می‌کنیم. بر نیاز به بازگشت به اجرای ابتکار شورای همکاری خلیج و اجرای مکانیسم اجرایی آن و به نتیجه رسیدن مذاکرات ملی جامع تأکید می‌کنیم، که از جمله این اقدامات ترسیم و ایجاد یک قانون اساسی جدید، اصلاح نظام انتخاباتی، برگزاری همه‌پرسی درباره طرح پیشنهادی قانون اساسی و همچنین انتخابات سراسری برای اجتناب از وخامت شرایط انسانی و امنیتی در یمن است... قطعنامه (۲۱۱۷) سال ۲۰۱۳ خود را یادآوری می‌کنیم و درباره تهدید صلح و امنیت در یمن به خاطر ارسال و روانه شدن سلاح و تسلیحات و سوءاستفاده از تسلیحات سبک، شدیداً ابراز نگرانی می‌کنیم. این موضوع را به رسمیت می‌شناسیم که ادامه وخامت اوضاع امنیتی یمن تهدیدی جدی و رو به گسترش برای کشورهای همسایه است... از همه طرف‌های یمنی به ویژه حوثی‌ها می‌خواهیم به طور کامل قطعنامه (۲۲۰۱) سال ۲۰۱۵ را اجرا کرده و از اقدامات یکجانبه بیشتر که می‌تواند دوره گذار سیاسی در یمن را تضعیف کنند، بپرهیزند.» (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴/۰۱/۲۶).

راجع به جنگ یمن، به رغم تمامی حمایت‌های سیاسی و نظامی از سوی دولت‌های گوناگون و سازمان‌های بین‌المللی، همواره انتقاداتی مطرح بوده است. ادعایی در خصوص نوع حملات، شیوه‌های جنگی به کارگرفته شده و برخی سلاح‌های مورد استفاده، مطرح شده است که با اصول و مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی سازگاری ندارد (فضائلی، ۱۳۹۵، ۴۹). البته بر اساس گزارش‌های ارائه شده، حوثی

^۱ - از جمله ماده ۲۰ طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) که مقرر می‌دارد: «رضایت دولت به ارتکاب فعلی معین توسط دولتی دیگر تا حدی که آن فعل در محدوده رضایت مزبور باشد، مانع متخلفانه بودن آن فعل نسبت به دولت نخست می‌شود».

ها و نیروهای هوادار آنها نیز سطح کافی از سازمندی عملیات نظامی را دارند و می‌توانند ملزم به رعایت اصول حقوق بشردوستانه شناخته شوند (حسین پور و همکاران، ۱۳۹۶، ۶۲).

لازم به ذکر است که دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رأی سال ۱۹۸۶ خود تأیید کرده است، حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی باید در هر قسم، مخاصمه مسلحانه رعایت شود. یکی از قواعد عرفی لازم الرعایه، عبارت است از تعهد به رعایت و تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه، که مضمون ماده (۱) مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ است و به موجب آن هم طرف‌های درگیر در مخاصمه نسبت به اشخاص یا گروه‌های تحت فرماندهی خود وظیفه دارند، و هم برای دولت‌های غیر درگیر در مخاصمه، تعهد به تلاش برای تحقق رعایت اصول حقوق بشردوستانه در جریان مخاصمه، فرض انگاشته شده است (فضالی، ۱۳۹۸، ۸۹۹). علاوه بر این، عربستان عضو کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیز می‌باشد (جعفری، ۱۳۹۸، ۵۹۵). شاید همین مسئله یکی از دلایل شکل‌گیری ائتلاف به رهبری عربستان سعودی در حمایت از دولت منصور هادی باشد.^۱ علی‌ایحال نیروهای ائتلاف به عنوان عضو رسمی جامعه بین‌الملل و حوثی‌ها نیز به عنوان بازیگری غیردولتی^۲ موظف هستند تا مقررات بین‌المللی و تعهدات مندرج در آن، به ویژه تعهدات مرتبط با رفتار با غیرنظامیان در زمان جنگ و ممنوعیت انهدام تأسیسات غیرنظامی و مناطق اقتصادی را رعایت نمایند.^۳

۳- مخاصمه یمن از منظر حقوق کیفری بین‌المللی

گزارشات و حوادثی که در جریان مخاصمات یمن در دسترس قرار گرفته است، اسباب دلواپسی حقوق‌دانان، در زمینه جنبه‌های حقوق کیفری بین‌المللی و به طور خاص اساسنامه رم و صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در این رابطه را به وجود آورده است. لازم به ذکر است که قضاوت در مورد گزارشات نهادهای بین‌المللی و انتساب جنایات مدعی به، به هر یک از طرفین مخاصمه یمن، فارغ از مسائل

^۱ - از جمله، لازم به ذکر است که بند ۲ قطعنامه شماره (۲۱۳۱) (XX) مجمع عمومی سازمان ملل، «ممنوعیت دخالت در امور داخلی کشورها و حمایت از استقلال و حاکمیت آنها»، ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵، مقرر می‌دارد: «تمامی دولت‌ها باید از سازماندهی، مساعدت، تحریک و برانگیختن اقدامات مسلحانه براندازی یا تروریستی با هدف تغییر حکومت یک دولت دیگر از راه خشونت و همچنین مسامحه نسبت به این اقدامات، خودداری کنند».

^۲ - Non-State Actor

^۳ - برای اطلاع بیشتر رک: ماده (۳) مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، ۱۹۴۹.

اخلاقی، از حیث حقوقی و قضائی، منحصر به تشخیص محاکم قضائی دارای صلاحیت می‌باشد و در غیر این صورت هیچ گونه اعتبار قطعی نخواهد داشت^۱.

برای آشنایی با وضعیت مخاصمه یمن، از حیث صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی و همچنین تعهدات حقوقی طرفین این مخاصمه راجع به مقررات اساسنامه رم، باید کیفیت ارتباط و پیشینه تعامل دولت‌های عربی با این نهاد را نیز تبیین نمود. دولت‌های عربی به طور فعال در تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی و تصویب اساسنامه رم و مذاکرات مربوط به آن از حدود بیست و پنج سال پیش شرکت داشتند. امروزه از بیست و دو کشور عربی، تنها سه کشور عربی یعنی اردن، جیبوتی و کومور عضو اساسنامه دیوان هستند و دولت‌های الجزایر، بحرین، مصر، کویت، مراکش، عمان، سوریه، امارات و یمن، تنها امضاء کنندگان اساسنامه رم می‌باشند. تمامی بیست و دو کشور در جریان نگارش اساسنامه در کنفرانس رم سال ۱۹۹۸ به همراه هیات‌هایی از فلسطین، اتحادیه آفریقا، سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه کشورهای عرب حضور داشتند. هفت کشوری که علیه اساسنامه رای دادند شامل اسرائیل، آمریکا و تعدادی کشورهای عربی می‌شد. عربستان سعودی، پاکستان و سومالی از جمله کشورهایی هستند که نه تنها اساسنامه را تصویب نکرده‌اند بلکه آن را امضاء نیز ننمودند. در سال ۲۰۰۵ اتحادیه کشورهای عرب، نمونه قانون عربی جرائم تحت صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی را تصویب نمود. تا از سوی دولت‌های عرب به عنوان راهنمای اصلاح قوانین داخلی شان مورد استفاده قرار گیرد. دولت‌های عربی همچنان در حرکت به سمت تعریف جرم تجاوز، نقش موثری ایفاء نمودند و برخی از آنها حتی عدم درج این جرم در اساسنامه را به عنوان دلیل اولیه عدم عضویت شان در دیوان مطرح کردند. برخی دولت‌های عربی همچنین اقداماتی جهت قانون‌گذاری در پیگرد جرائم جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی و جرائم جنگی، پیش از پذیرش صلاحیت دیوان را نیز مدنظر قرار داده‌اند (Factsheet: The ICC and the Arab World, December 2014).

۳-۱- عملکرد طرفین درگیر در مخاصمه از منظر اساسنامه رم

به موجب ماده (۵) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان نسبت به چهار جرم صلاحیت رسیدگی خواهد داشت، که عبارتند از: جرم نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت، جنایات جنگی و جرم تجاوز (Rome Statute of ICC, 1998, Art. 5). بنابر مستندات و شواهد موجود، به ویژه گزارش‌های سازمان عفو بین‌الملل

^۱- رک: ماده (۱۱) اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸.

و دیده‌بان حقوق بشر، نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی یعنی جرائم علیه بشریت و جنایان جنگی در یمن محرز است (جعفری، ۱۳۹۸، ۶۰۶). اتهامات علیه ائتلاف به رهبری عربستان غالباً با استناد به ماده (۸) اساسنامه رم و با موضوع جنایات جنگی مطرح شده است. همچنین ادعاهای نقض مواد (۶) و (۷) اساسنامه از سوی این ائتلاف نیز مطرح شده است. البته عمده انتقادات یک‌سویه بوده و کمتر در مورد جنایات احتمالی از سوی حوثی‌ها بحث و بررسی شده است.

۳-۱-۱- ادعای ارتکاب جنایات جنگی و نقض مقررات ماده (۸) اساسنامه رم

پاراگراف پنجم بند (ب) ماده (۸) اساسنامه رم، ممنوعیت حمله یا بمباران شهرها، روستاها، مناطق مسکونی یا ساختمان‌هایی که بی دفاع بوده و اهداف نظامی نیستند با هر وسیله‌ای که باشد را مقرر داشته است. پیرو این مقرره، صلیب سرخ جهانی در ۴ آوریل سال ۲۰۱۵ خواستار توقف ۲۴ ساعته درگیری‌ها برای فعال کردن کمک‌رسانی به مردمی که زیر حملات هوایی شدید قرار دارند شد. این سازمان می‌گوید تعداد زیادی از مردم یمن در حملات هوایی و زمینی مجروح شده‌اند و اگر فوراً کمک‌های درمانی به آنها نرسد جان خود را از دست خواهند داد. همچنین طبق گزارش سازمان ملل در جولای ۲۰۱۵، هشتاد درصد از جمعیت یمن نیاز به کمک دارد و بیش از یک میلیون نفر از مردم آواره شده و بیش از ۳۷۰۰ نفر کشته شده‌اند و همچنین بیش از ۱۸ هزار نفر زخمی ثبت شده است (پزشکی و بهری خیابوی، ۱۳۹۷، ۵۸-۵۹). همچنین پاراگراف چهارم بند (۲) ماده (۸) ناظر به «انجام عمدی حمله-ای با علم به این که این حمله باعث تلفات جانی یا آسیب به غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیرنظامی یا آسیب گسترده، درازمدت و شدید به محیط زیست خواهد شد و آشکارا فایده نظامی روی هم رفته، بیش از اندازه، به هم پیوسته و مستقیم به بار می‌آورد.» است، که از موارد نقض قوانین و عرف حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی می‌باشد (Rome Statute of ICC, 1998, Art. 8(b) (4)). سازمان بهداشت جهانی نیز به دفعات به بحران انسانی و بهداشتی در یمن اشاره داشته است. این سازمان در می‌ماه سال ۲۰۱۵ اعلام کرد که هشت و نیم میلیون نفر به نیازهای فوری پزشکی نیاز دارند. در سال ۲۰۱۶ نیز این سازمان اعلام کرد که از مارس سال ۲۰۱۵، ۶۲۰۰ نفر کشته و سی هزار نفر مجروح شده‌اند و ۲۱ میلیون نفر نیاز به کمک‌های بشردوستانه دارند. اساسنامه دیوان، «هدایت عمدی حملات بر ضد ساختمان‌هایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه اختصاص یافته و حمله به آثار تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌های تجمع بیماران و زخمی‌ها مشروط بر این که آن مکان‌ها اهداف نظامی نباشند.» را نیز از موارد نقض قوانین و عرف حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی دانسته است (Rome Statute of

(9) (ICC,1998,Art.8(b)). اساسنامه دیوان، «تحمیل گرسنگی به غیرنظامیان به عنوان روش جنگی، یا محروم کردن آنها از موادی که برای بقای شان ضروری است، از جمله جلوگیری از رسیدن کمک‌های امدادی پیش بینی شده در کنوانسیون ژنو.» را نیز از موارد نقض تعهدات حقوق مخاصمات مسلحانه می‌داند (9) (Rome Statute of ICC,1998,Art.8(b)).

طبق گزارش سازمان ملل در ژوئن سال ۲۰۱۵ بیش از ۲۸۰۰ نفر کشته شده‌اند و نزدیک به ۱۳ هزار زخمی شده‌اند و بیش از یک میلیون نفر آواره شده‌اند و بسیاری مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند و وضعیت بهداشتی و مواد غذایی در شرائط اضطراری قرار دارد. در نوامبر سال ۲۰۱۷ روسای سازمان‌های بشردوستانه سازمان ملل خواستار پایان محاصره یمن شدند تا کمک‌های بشردوستانه به این کشور قابل ارسال باشد. پزشکان بدون مرز و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز در گزارشات جداگانه در سال ۲۰۱۷، بر محاصره یمن از سوی نیروهای ائتلاف صحنه گذاشتند و وضعیت را بغرنج گزارش نموده‌اند. در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۷ رئیس سیاست خارجه اتحادیه اروپا، فدریکا موگرینی، در طی بیانیه‌ای بر لزوم دسترسی فوری غیرنظامیان به کالاهای انسان دوستانه و تجاری که در اثر بستن حریم هوایی و بنادر یمن توسط عربستان، مسدود شده، تاکید کرد. از مقررات بحث برانگیز دیگر نیز پاراگراف بیستم بند (۲) ماده (۸) اساسنامه است که می‌گوید: «به کار بردن سلاح‌ها، پرتابه‌ها و مواد و روش‌های جنگی که دارای خاصیت آسیب رسانی بیش از حد یا موجب رنج غیر لازم می‌شود یا آن که ذاتاً بدون تمییز و تفکیک اهداف و مغایر حقوق بین‌الملل منازعات مسلحانه هستند؛ مشروط بر آن که این سلاح‌ها موضوع منع جامع بوده و از طریق اصلاحیه‌ای مطابق مقررات مربوط در مواد (۱۲۱) و (۱۲۳) در ضمیمه الحاقی به این اساسنامه درج شوند.» نقض عرف و مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی محسوب می‌گردد (Rome Statute of ICC,1998,Art.8(b) (20)). بنا به گزارش دیدبان حقوق بشر در حملات علیه حوثی‌ها از بمب‌های خوشه‌ای استفاده شده است. این سازمان با تجزیه و تحلیل تصاویر ماهواره‌ای تاکید نمود که این بمب‌ها به زمین کشاورزی در ۶۰۰ متری ده‌ها ساختمان در چهار تا شش روستا اصابت نموده است. این سلاح‌ها به دلیل نقض اصول عدم تفکیک، منع درد و رنج بیهوده، تناسب و احتیاط در بکارگیری تسلیحات، جزء سلاح‌های ناقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی است (پزشکی و بهری خیای، ۱۳۹۷، ۵۷-۶۲). البته لازم به ذکر است که عربستان به کنوانسیون منع کاربرد تسلیحات خوشه‌ای سال ۲۰۰۸^۱، نپیوسته است؛ لذا نقض تعهدی خاص در رابطه با این کنوانسیون، در این جا مطرح نمی‌باشد.

^۱- Convention on Cluster Munitions, (CCM)

۳-۱-۲- ادعای ارتکاب جنایت علیه انسانیت و نقض مقررات ماده (۷) اساسنامه رم

از ادعاهای دیگر راجع به محاصره یمن، ارتکاب جنایت علیه انسانیت^۱ است. در همین راستا، ادعای نقض مقررات اساسنامه رم که بیان نموده: «ریشه کن کردن»^۲، شامل تحمیل عمدی وضعیت خاصی از زندگی است که از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا و دارو بوده و به منظور منهدم کردن بخش از جامعه برنامه ریزی می شود» (Rome Statute of ICC, Art.7(b) (2)). مطرح شده است. اوضاع رو به وخامت وضعیت غذایی و امنیتی مردم غیرنظامی در یمن، خانم الور^۳ کارشناس سازمان ملل را در آگوست سال ۲۰۱۵ مجبور کرد تا از اصطلاح جنایت جنگی استفاده کند. ایشان از گرسنگی احتمالی شهروندان یمن ابراز تاسف کرد و اعلام کرد که گرسنگی عمدی در منازعات مسلحانه بین المللی و داخلی ممکن است یک جنایت جنگی محسوب گردد و در صورت ممانعت عمدی از رسیدن غذا به افراد می تواند جنایت علیه بشریت باشد^۴ (پزشکی و بهری خیای، ۱۳۹۷، ۶۲).

۳-۱-۳- ادعای ارتکاب جنایت نسل کشی و نقض مقررات ماده (۶) اساسنامه

به موجب اساسنامه رم، جنایت نسل کشی^۵ شامل مجموعه اقدامات با هدف تخریب کامل یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی و مذهبی می باشد. اقداماتی چون کشتار اعضای گروه، ایراد صدمه جسمی یا روانی به اعضای گروه، ایجاد شرائط حساب شده ای برای آنها که به طور کامل یا جزئی، گروه را نابود سازد، ایجاد شرائطی برای جلوگیری از تولید مثل اعضای گروه و همچنین انتقال اجباری کودکان گروه به گروهی دیگر (Rome Statute of ICC, 1998, Art.6). منقول است که برخی مسئولین در عربستان، چون آقای عبدالرحمن السدیس، امام و خطیب مسجدالحرام، در خصوص جنگ یمن و تایید حمله عربستان به یمن، انگیزه حمله را شیعه بودن مردم یمن دانسته و بیان داشته اند که: «زمان آن رسیده که یک «بیداری اسلامی» برای برخورد با تشیع آغاز گردد.» (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۴/۰۲/۲۳). اما لازم به ذکر است که اظهارات ایشان و مسئولان دیگر، ولو مستقیماً منصوب پادشاه عربستان باشند، نمی تواند

^۱ - Crimes Against Humanity

^۲ - Extermination

^۳ - Hilal Elver

^۴ - لازم به ذکر است که دولت پادشاهی عربستان، در طول پنج سال گذشته، پروژه هایی در یمن، با ارزش تقریبی ۲۰ میلیارد دلار، جهت ارائه کمک های بشر دوستانه و از جمله مبارزه با فقر و گرسنگی اجرائی ساخته است. برای اطلاع بیشتر رک:

«<https://reliefweb.int/report/yemen/king-salman-relief-centre-supports-major-yemen-projects>»

^۵ - Genocide

تجلی اراده یک دولت محسوب گردد (حدادی و کریمی، ۱۳۹۷، ۳۰۱-۳۰۲)، چرا که ایشان از حیث قانونی مقام مسئول حملات، یا سیاستگذار برای حملات نیستند و این اظهارات در حیطه مسئولیت مستقیم و موثر ایشان بیان نشده است (Rome Statute of ICC, 1998, Art. 28). از طرفی جنایات ادعایی منتسب به نیروهای ائتلاف، ممکن است به عنوان عنصر مادی^۱ جرم نسل کشی پذیرفته گردد. ولیکن برای احراز جنایات موضوع ماده (۵) اساسنامه، لاجرم باید عنصر روانی^۲، شامل سوءنیت عام^۳ و سوءنیت خاص^۴ به طور کامل احراز گردد^۵ (Rome Statute of ICC, 1998, Art. 30). حتی اگر سوءنیت عام در تحقق این جنایات، مفروض انگاشته شده یا در محکمه صالحه به اثبات برسد، سوءنیت خاص این جنایات کماکان موضوعی است که احراز آن جهت انتساب اعمال ارتكابی به هر یک از طرفین مخاصمه، ضرورت دارد. مخصوصاً که تحقق جرم نسل کشی منوط به وجود سوءنیت خاص در تخریب کامل یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی و مذهبی نیز می باشد که اثبات آن با استناد به شعارها و ایدئولوژی معارضین، به سادگی به اثبات می رسد (بیگلری و رئیسی و جلالی، ۱۳۹۵، ۷۷).

۳-۲- ابعاد صلاحیت دیوان کیفری بین المللی

به تصریح اساسنامه، برای دیوان کیفری بین المللی ماهیت صلاحیت تکمیلی^۶، به موجب مواد (۱) و (۱۷)، در نظر گرفته شده است. لذا باید توجه داشت، مادامی که دولت دارای صلاحیت، به تحقیق یا دادرسی دعاوی و جنایات موضوع اساسنامه دیوان می پردازد، این نهاد حق رسیدگی به موضوع را ندارد، مگر این که دولت مذکور نخواهد یا نتواند به تحقیق یا تعقیب شکایات بپردازد (صالحی، ۱۳۹۷، ۶۷۱-۶۷۲). علاوه بر این، دیوان کیفری بین المللی صلاحیت خود را تنها نسبت به مهم ترین جرائم بین المللی مربوط به مجموعه جامعه بشری، اعمال خواهد کرد. برای نیل به این هدف، اساسنامه پاره‌ای پیش شرط-های اعمال صلاحیت دیوان را به عنوان معیار مشخص برای قبول یک پرونده پیش‌بینی نموده است (شریعت باقری، ۱۳۸۸، ۷۴-۷۵). اگر چه دیوان صلاحیت جهانی بالقوه دارد، اما این صلاحیت تنها با عضویت تمامی کشورها به طور کامل تحقق خواهد شد. علی ایحال، به موجب بند (۲) ماده (۱۲) اساسنامه، «دیوان در زمانی که یک یا تعداد بیشتری از کشورهای زیر عضو این اساسنامه بوده و یا

¹- Actus reus

²- Mens rea

³- General Intent

⁴- Specific Intent

⁵- actus reus non facit reum nisi mens sit rea

⁶- Complementary Jurisdiction

صلاحیت دادگاه را مطابق بند ۳ مورد پذیرش قرار داده باشند، حق اعمال صلاحیت دارد» (Cryer et al., 2010, p.166). اعمال صلاحیت از سوی این نهاد منوط به احراز سه شرط اساسی است؛

۳-۲-۱- صلاحیت شخصی^۱

به موجب ماده (۱) اساسنامه، دیوان وظیفه تعقیب کیفری اشخاص را به دلیل ارتکاب جنایات بین‌المللی به عهده دارد. بسیاری از اقدامات نظامیان عالی‌رتبه و فرماندهان ائتلاف یا نیروهای حوثی در یمن، ممکن است از مصادیق جرائم بین‌المللی باشد، که رسیدگی به آن در صلاحیت دیوان قید شده است. این نهاد در صورتی صلاحیت رسیدگی پیدا می‌کند که دولت کشور محل ارتکاب یا دولت متبوع مجرم، اساسنامه دیوان را پذیرفته باشند (Rome Statute of ICC, 1998, Art.12(b) (1) (2)). اما، در این مورد، نه دولت یمن و نه عربستان سعودی، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را نپذیرفته‌اند. باید توجه نمود که کشور اردن تنها عضو ائتلاف است که اساسنامه رم را تصویب نموده است. بنابراین دیوان نسبت به جرائم موضوع اساسنامه و جنایات اتباع اردن در حملات علیه یمن صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. علاوه بر این، اساسنامه رم یک معاهده بین‌المللی است، لذا تابع حقوق معاهدات است و به موجب ماده (۱۸) کنوانسیون وین حقوق معاهدات ۱۹۶۹، هر گاه دولتی معاهده‌ای را به شرط تنفیذ، قبولی یا تصویب امضاء نموده باشد، از اقداماتی که به هدف و منظور یک معاهده لطمه وارد می‌کند باید خودداری کند. لذا ممکن است برای دولت‌های امضاء کننده اساسنامه دیوان، که در جریان این مخاصمات فعالیت داشته‌اند، دیوان قادر به اعمال صلاحیت تکمیلی خود باشد. همچنین باید یادآوری نمود که برخی نظامیان در یمن، اتباع کشورهای دیگر چون کلمبیا، پاناما، السالوادور، آفریقای جنوبی و استرالیا می‌باشند که دولت‌های متبوع آنها عضو اساسنامه رم هستند و بدین ترتیب، دیوان ممکن است تحقیقاتی راجع به جنایات و جرائم ارتكابی از سوی اتباع دولت‌های عضو اساسنامه را نیز آغاز کند (Daily Sabah, November 27th, 2017). البته باید توجه داشت که به موجب ماده (۲۶) اساسنامه، دیوان هیچ صلاحیتی برای محاکمه افرادی که به هنگام ارتکاب احتمالی جرم کمتر از ۱۸ سال سن داشته‌اند، ندارد.

۳-۲-۲- صلاحیت موضوعی^۲

صلاحیت موضوعی به نوع جرائمی اشاره دارد که دیوان می‌تواند به آن رسیدگی نماید. این جرائم به موجب بند (۱) ماده (۵) اساسنامه، عبارتند از: نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز

^۱ - Personal Jurisdiction

^۲ - Subject-matter Jurisdiction

ارضی (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸، ۵۵-۵۶). همچنین، طبق اساسنامه، دولت‌ها می‌توانند صلاحیت دادگاه را به طور موردی درباره جنایاتی که در قلمرو آن یا توسط اتباع آن‌ها ارتکاب یافته است، بپذیرند (Rome Statute of ICC, 1998, Art. 12 (3)). در این مورد دولت یمن می‌تواند چنین درخواستی از دیوان کیفری بین‌المللی داشته باشد و با ارسال اعلامیه رسمی به دفتر دادگاه کیفری بین‌المللی، رسیدگی این دادگاه به جرائم ضدانسانی در یمن را خواستار شود. همچنین مخاصمه یمن می‌تواند از طریق شورای امنیت سازمان ملل به دادستان دیوان ارجاع شود. البته ارجاع شورای امنیت منوط به این است که شورا، وضعیت موجود یمن را از موارد تهدید علیه صلح، نقض صلح و یا اقدام تجاوز محسوب نماید. اما با توجه به حمایت‌های شورای امنیت از اقدامات نیروهای ائتلاف و مشروع دانستن دولت منصور هادی از سوی این شورا، امکان ارجاع قضیه به دیوان علیه نیروهای ائتلاف منتفی می‌نماید، اما به هر حال شورای امنیت اگر چه از نظر حقوقی ملزم به چنین اقدامی نمی‌باشد (Trahan, 2013, pp. 424-426) ممکن است رسیدگی به این جنایات را به همراه مدارک و اسناد، برای اعمال تحقیق و رسیدگی به جرائم بین‌المللی معارضین به دیوان ارجاع نماید. از سوی دیگر دادستان دیوان نیز ملزم به رسیدگی به این درخواست نمی‌باشد و باید مستقلاً و صرف‌نظر از مسئله عضویت دولت مجرم یا بزه‌دیده در این خصوص تصمیم‌گیری نماید (Trahan, 2013, p. 424). علاوه بر این، به موجب مقررات مواد (۱۳) و (۱۵) اساسنامه، دادستان دیوان می‌تواند به ابتکار خود^۱ تحقیقاتی درباره وقوع جنایات بین‌المللی در یمن انجام دهد.

۳-۲-۳- صلاحیت زمانی^۲

صلاحیت دیوان تنها نسبت به جرائمی است که پس از لازم الاجراء شدن اساسنامه ارتکاب یافته باشد. لذا اگر دولتی پس از لازم الاجراء شدن اساسنامه عضو آن شود، دیوان فقط نسبت به جنایاتی اعمال صلاحیت می‌کند که پس از لازم الاجراء شدن اساسنامه در مورد آن دولت ارتکاب یافته است. مگر آن که دولت، اعلامیه موضوع بند (۳) ماده (۱۲) (مبنی بر پذیرش اعمال صلاحیت دیوان) را صادر کرده باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸، ۵۹). این مقررہ مشکل دیگری برای اعمال صلاحیت دیوان در مخاصمه یمن ایجاد می‌کند؛ لذا حتی با فرض این که هر کدام از دولت‌های عربستان و یمن اساسنامه را تصویب کنند و به عضویت دیوان کیفری بین‌المللی درآیند، دیوان صلاحیت رسیدگی به جنایات محقق شده پیش از تصویب اساسنامه را نخواهد داشت و در حقیقت مقررات اساسنامه عطف به ما سبق نمی‌شود (Rome Statute of ICC, 1998, Art. 11).

^۱ - Proprio Motu

^۲ - Temporal Jurisdiction

نتیجه گیری

مخاصمه یمن و مسائل پیرامون آن که ماهیت حقوقی کیفری بین‌المللی دارد، از جمله قضایای حقوقی است و قضاوت حقوقدانان و علمای حقوق بین‌الملل در خصوص جوانب این قضیه نباید ماهیت سیاسی و جانبدارانه به خود بگیرد. ابتدا باید توجه داشت که اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی ماهیت تکمیلی دارد و بدین ترتیب تحقیق و دادرسی راجع به جنایات ارتکاب یافته مورد ادعا، اصولاً باید ابتدا در محاکم داخلی یمن یا کشورهای درگیر در مخاصمه یمن آغاز گردد. از سوی دیگر اعمال صلاحیت دیوان نسبت به مسئولان، نظامیان و نیروهای مردمی هر یک از طرفین مخاصمه، به جهت عدم تصویب اساسنامه رم از سوی اغلب دولت‌های مشارکت کننده در مخاصمه یمن منتفی است. تنها دولت اردن، که عضو ائتلاف است، اساسنامه رم را تصویب نموده است و دیگر دولت‌های درگیر یا صرفاً امضاء کننده اساسنامه و یا به کلی با آن بیگانه می‌باشند. اما فارغ از لزوم رعایت مقررات حقوق بشردوستانه عرفی از سوی همه طرف‌های مخاصمه، برای اثبات جنایات موضوع اساسنامه رم، احراز سوءنیت و عنصر روانی برای ارتکاب جرم هم ضرورت دارد. در حقیقت آیا مرتکبین جنایات ادعا شده، گروه‌های قومی، مذهبی، نژادی و ملی خاصی را نشانه رفته‌اند؟ آیا تلفات غیرنظامیان در مخاصمه در نتیجه عمد یا سهل‌انگاری عاملان حملات بوده است؟ آیا مراقبت مقتضی و یا رعایت اصول حقوق بشردوستانه، چون تفکیک و تناسب در انجام حملات محقق شده است؟ پاسخ به این سوالات نیازمند انجام تحقیقات مقدماتی است که البته با توجه به شرائط فعلی بحرانی در یمن، انجام چنین تحقیقاتی منطقاً غیرممکن یا حداقل دشوار می‌نماید.

اقدام دادستان دیوان به ابتکار خود نیز منوط به گرایش‌های سیاسی و جو حاکم بر دیوان و افکار عمومی دنیا است که دستخوش فضای رسانه‌ای حاکم بر جهان می‌باشد. لذا اراده سیاسی لازم برای اقدام دادستان نیز احتمالاً منتفی می‌باشد. خصوصاً این که حملات ائتلاف پشتوانه حقوقی بسیار قابل اعتنائی چون قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل در محکومیت حوثی‌ها را دارا می‌باشد. لذا دادستان ممکن است به تحقیق در خصوص جنایات منتسب به مخالفین دولت یمن دست بزند. همچنین ارجاع پرونده رسیدگی به جنایات بین‌المللی از سوی شورای امنیت به دادستان دیوان نیز امکان‌پذیر است؛ اما چنین ارجاعی، دیوان را ملزم به رسیدگی به پرونده نمی‌کند و دیوان مستقلاً باید در این خصوص تصمیم‌گیری نماید، که این البته مطابق اصل استقلال قضا و نهادهای قضائی نیز می‌باشد. لذا احتمال ارجاع جنایات ادعایی و منتسب به مخالفین دولت یمن، خصوصاً پس از شکست نسبی توافق استکهلم، کاملاً منتفی

تلقی نمی‌شود؛ چرا که شورای امنیت پیش از این نیز تلویحاً از اقدامات ائتلاف به رهبری عربستان و دولت یمن حمایت نموده است. از طرفی اعضای دائم شورا از جمله دولت‌های چین، روسیه و ایالات متحده آمریکا، خود اساسنامه دیوان را تصویب نکرده‌اند و بدین ترتیب تقاضای ایفاء نقش دیوان از سوی این شورا، علیه سیاست‌های پیشین اعضاء دائم که در قطعنامه‌های شورا نیز انعکاس یافته، بسیار بعید است.

به هر حال کشورهای عضو سازمان ملل متحد می‌توانند بر اساس اصل صلاحیت جهانی یا صلاحیت همگانی، جرائم مهم بین‌المللی را که جرائم جنگی و جرائم علیه انسانیت نیز در این زمره است، مورد پیگرد جزایی و حقوقی قرار دهند. لذا تمامی کشورهای عضو سازمان ملل می‌توانند خواهان پیگیری جرائم جنگی ارتکاب یافته از سوی طرف‌های درگیر در یمن، از سوی مراجع حقوقی بین‌المللی یا توسط محاکم داخلی خود باشند. البته هر گونه اقدام برخلاف مصونیت سران دولت‌ها، نقض مقررات بین‌المللی محسوب شده و موجبات مسئولیت بین‌المللی آن دولت را فراهم می‌آورد و در نتیجه دولت‌ها اغلب تمایلی به اجرای اصل صلاحیت جهانی در محاکم ملی خود در این مورد ندارند.

منابع

- بیگلری، پویان و رئیسی، لیلا و جلالی، محمود، ۱۳۹۵، بررسی عنصر روانی در حقوق کیفری بین المللی، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، شماره ۳۴، صص. ۵۳-۸۱.
- پزشکی، علی و بهری خیای، بهمن، ۱۳۹۷، حمله ائتلاف رهبری عربستان به یمن در ترازوی دیوان کیفری بین المللی، مجله بین المللی پژوهش ملل، شماره ۳۳، ۵۵-۶۶.
- جعفری، سیداصغر، ۱۳۹۸، حمله نظامی عربستان به یمن از نگاه حقوق بین المللی بشردوستانه، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴۹، ۵۹۱-۶۱۱.
- حسین پور، نادر و گرگین، بتول و چمکوری، محمد، ۱۳۹۶، بررسی حمله ائتلاف عربی تحت رهبری عربستان به کشور یمن و نقض حقوق بشردوستانه، ماهنامه پژوهش ملل، شماره ۲۴، ۵۹-۷۴.
- حدادی، مهدی و کریمی، سیامک، ۱۳۹۷، اعمال یکجانبه دولت ها به عنوان منبع تعهد بین المللی در حقوق بین الملل، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۱، ۲۸۹-۳۱۳.
- شریعت باقری، محمدجواد، ۱۳۸۸، حقوق کیفری بین المللی، چاپ نهم، تهران، انتشارات جنگل.
- صالحی، جواد، ۱۳۹۷، اعمال صالحیت تکمیلی دیوان بین المللی کیفری در خشونت های داخلی در بستر بی ارادگی دولت کنیا، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴۸، ۳، ۶۶۱-۶۷۶.
- فضائی، مصطفی، ۱۳۹۵، مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین الملل، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴۶، ۴۱-۷۰.
- فضائی، مصطفی، ۱۳۹۸، ماهیت و مبنای تعهد به تضمین رعایت حقوق بشردوستانه از نگاه اسلام و حقوق بین الملل، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴۹، ۸۹۷-۹۱۸.
- ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین، ۱۳۸۶، حقوق بین الملل بشردوستانه مداخلات مسلحانه داخلی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین، ۱۳۸۸، دادگاه کیفری بین المللی، چاپ چهارم، تهران، نشر دادگستر.
- نواده توپچی، حسین، ۱۳۹۳، حقوق جنگ و مداخلات مسلحانه، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- یاقوتی، محمدمهدی، ۱۳۹۰، استثنائات حقوقی ممنوعیت توسل به زور در روابط بین الملل، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴، ۱۱۱۳-۱۱۳۲.

- Tabyincenter, (23 اردیبهشت، 1394) بررسی تجاوز عربستان به یمن از منظر حقوق بین الملل - Retrieved March 10, 2020, from, <http://www.tabyincenter.ir/qadim/index.php/menu-examples/child-items-5/>

- Report on International Religious Freedom – Yemen. (2016, August 10). The UN Refugee Agency. Retrieved March 10, 2020, from, <https://www.refworld.org/docid/57add80515.html>.

- Cryer, Robert & Friman, Hakan & Robinson, Darryl & Wilmschurst, Elizabeth, (2010), An Introduction to International Criminal Law and Procedure, Cambridge University Press, Second Edition, UK.

- Congressional Research Service, (2019), Yemen: Civil War and Regional Intervention, (Report No. 43960), Sharp, Jeremy M., Specialist in Middle Eastern Affairs.

-ICC called on to investigate war crimes committed by UAE in Yemen. (2017, September 27). Dailysabah. Retrieved September 27, 2017, from, <https://www.dailysabah.com/mideast/2017/11/27/icc-called-on-to-investigate-war-crimes-committed-by-uae-in-yemen>.

-Informing humanitarians worldwide 24/7. (2020 January 1). Reliefweb. Retrieved March 14, 2020 from, <https://reliefweb.int/report/yemen/king-salman-relief-centre-supports-major-yemen-projects>.

-The ICC and the Arab World. (2014, December 30). Coalition for the International Criminal Court, Retrieved March 10, 2020, from, <https://www.legal-tools.org/doc/c315d6/metadata>.

-Yemen Population. (2020, March 11). Worldometers. Retrieved March 12, 2020, from, <https://www.worldometers.info/world-population/yemen-population/>

-Trahan, Jennifer, The Relationship between the International Criminal Court and the U.N. Security Council: Parameters and the Best Practices, **Criminal Law Forum**, (2013), 24:417–473.

-Draft Articles on the Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001.

-Charter of the United Nations, 1945.

- Geneva Conventions of 1949.
- Resolution 2131 (XX), United Nations General Assembly, 21 December 1965.
- Rome Statute of the International Criminal Court, 1998
- Universal Declaration of Human Rights, 1948.
- UNSC/2015/217, Distr. General, 27 March 2015
- UNSC/Res/2216, Distr. General, 14 April 2015
- Vienna Convention on the law of Treaties, 1969.